

جذاب و دردناک مثل بازگشت برانکو!

روزنوشت‌های یک روزنامه‌نگار

احسان محمدی

در میان عکس‌های متفاوت فوتبال ایران در چند سال اخیر، یکی عکسی است که سعید زارعیان عکاس خوش قریحه از ورزشگاه آزادی گرفته است. فینال پرسپولیس-کاشیما. در آن بازی که تعداد محدودی از دختران امکان حضور یافتند، دختر جوانی با شالی بلاتکلیف روی سکوها در حالی که به سبک تشویق ایسلندی دست می‌زند، اشک می‌ریزد. اسم دختر «میا» است. جمعیت دارند یکصدا پدرش را تشویق می‌کنند. برانکو، برانکو، برانکو!

همان روزها هم نوشتم که بعید است برانکو و دخترش هرگز چنین لذت نابی را تجربه کنند. حتی در کراسی. این درجه از احترام، تحسین و ستایش یگانه بود. آنها که در ورزشگاه ولا به لای کوبیدن به طبل، تعلیق، فریاد «برانکو» و کوبیدن دست‌ها، این لحظه را از نزدیک دیده‌اند می‌دانند در مورد چه چیزی حرف می‌زنم. برانکو در اوج رفت. وقتی که هوادارها هنوز حضورش را می‌خواستند. گله‌مند رفت، شکایت کرد، دل چرکین شد و...

حالا زمزه برگشتنش به ایران به گوش می‌رسد. این فقط قاتل‌ها نیستند که به صحنه جرم برمی‌گردند، فاتحان هم دلشان می‌خواهد برگردند، آنها که فرار نکرده‌اند بلکه خودخواسته و محبوب رفته‌اند، دوست دارند برگردند و برای لحظه‌ای آن خاطرات و احترام و تحسین‌ها را مرور کنند. حتی اگر برانکو ایوانکوویچی باشد که معمولا احساساتش را مدیریت می‌کرد.

او با تیم ملی عمان قرارداد دارد اما گفته است که «روزی» باز به ایران برمی‌گردد. این روزی می‌تواند فردا صبح باشد، می‌تواند سال دیگر. اما سوسه بازگشت به ایران معلوم است که پرفسور را گاهی قلقلک می‌دهد. مگر می‌شود لذت آن تشویق‌ها و تحسین‌ها و احترام‌های کوچه و خیابان را آسان از یاد برد؟

«هرگز نگو هرگز» را می‌شود به عنوان یک قاعده شفاهی به فوتبال اضافه کرد. او گفته به استقلال بر نمی‌گردد. اما هرگز نگو هرگز! وقتی مهدی هاشمی‌نسب و علی انصاریان با آن همه حرف از تعصب و بخیه و عشق هوادار به تیم رقیب می‌روند، چرا برانکو این کار را نکند؟ یک قرارداد خوب و تضمین شده خیلی وقت‌ها سنگ را هم آب می‌کند چه رسد به سرمربی خارجی که اتفاقا باشگاه با او خوب تا نکرده است!

سپاهان و تراکتور هم برای جذب برانکو تمایل نشان داده‌اند. بازگشت او به فوتبال ایران می‌تواند لیگ را جذاب‌تر کند، البته به شرط اینکه قبل از هر چیزی عدد ورقم قراردادش را تأمین کنند تا فردا اسباب یک شکایت تازه در فیفا فراهم نشود. این همان حکایت پولاناست که فرمود یاباپیل بانان دوستی نکن یا خانه در حد و اندازه قیل بساز!

برانکو حالا یک برند است و آنقدر در فوتبال ایران گزیده شده که می‌داند پایش را کجا بگذارد. فرزند حبیب‌اللهی آتالیزوری که در پرسپولیس کنار دستش بود و کارنامه درخشانی دارد حالا در عمان هم پا اوست. جوان تحصیلکرده‌ای که رفتاری کاملاً پخته، بی‌تعارف و به دور از هیجان زدگی‌های معمول دارد.

او نشان داده که مشاور امینی برای پروفسور کروات است. معمولاً مربیان خارجی خیلی تاب تحمل ایرانی‌جماعت را کنارشان ندارند اما حبیب‌اللهی توانسته این اعتماد را با کار با کیفیت جلب کند و چه بسا که او کلید بازگشت برانکو به فوتبال ایران باشد.

مردی که خیلی اهل شوو شلوغی‌های رسانه‌ای نیست ولی به دلیل اشراف به فرهنگ ایرانی می‌تواند پرفسور را برای رفتن به تهران، اصفهان یا تبریز متقاعد کند.

اینکه برانکو قرارداد دارد، برانکو هنوز نگران مالیات پرداخته نشده‌اش است، برانکو در فیفا پرونده باز علیه پرسپولیس دارد، برانکو از دست مدیران پرسپولیس شاکی است، برانکو... همه اینها درست اما در فوتبال «هرگز نگو هرگز!»

همه چیز ممکن است رخ بدهد. همانطور که همین الان در ذهن برخی از هواداران پرسپولیس رخ داده است: تصور نشستن برانکو روی نیمکت رقیب. شبیه همان است که محسن چاوشی با سوز می‌خواند: «هم خواب رقیبانی و من تاب ندارم...»



نگفتم موهایم را از ته می‌تراشم

فنایی: مقصر من هستم نه رادو

کفت و گو

امیر اسدی @amir_asadi62



بچی گل محمدی در سال‌های اخیر همیشه یک کادر فنی قدرتمند را کنار خود داشته. کادری متشکل از حمید مطهری به عنوان دستیار اول و داود فنایی در قامت مربی دروازه‌بان‌ها. فنایی اما تا امروز دروازه‌بان‌های بسیاری را به سطح اول فوتبال ایران و البته تیم ملی فرستاده. محمدرضا اخباری، محمدرشید مظاهری، پیام نیازمند از جمله این دروازه‌بان‌ها هستند که زیر نظر فنایی درخشیدند. مهدی رحمتی و علیرضا بیرانوند نیز سابقه کار با فنایی را دارند و آنها نیز از عملکرد این مربی ۴۵ ساله رضایت کامل دارند. فنایی که یکی از بهترین مربیان دروازه‌بانی در ایران است، در گفت‌وگو با ایران ورزشی از قهرمانی پرسپولیس می‌گوید و البته عملکرد رادوشویچ که از نظر او فوق‌العاده بوده است.

حالا که پرسپولیس عنوان قهرمانی را کسب کرده و جام را هم گرفته، دوست دارم بدانم چه شد که نیم‌فصل تصمیم گرفتید به این تیم بیاید؟ می‌خواهم درباره دلایل حضورتان بیشتر توضیح دهید. حضوری که با کسب عنوان قهرمانی نیز همراه شد.

وقتی تصمیم گرفتیم به پرسپولیس بیایم، می‌دانستیم کار سخت و مشکلی پیش رو داریم. البته تیم خوب، مهره‌های آماده، بچه‌های حرفه‌ای، حرف‌گوش‌کن، پایه‌کار و با معرفتی در پرسپولیس حضور داشتند که به ما دلگرمی می‌دادند. خود من هم هشت، نه سال در پرسپولیس بازی کردم و بازگشت به این تیم به عنوان مربی برایم اتفاق خوشایندی بود. واقعاً دوست داشتم یک روز بیایم و در پرسپولیس مربیگری کنم. البته هدفم این بود که وقتی می‌آیم با تجربه باشم و منمثرم که خدا را شکر این اتفاق در لیگ نوزدهم رخ داد.

با اینکه پرسپولیس چند هفته زودتر عنوان قهرمانی را کسب کرد اما همانطور که گفتید کار سختی پیش رو داشتید. چه شد که روی دور برد افتادید؟ حفظ این روند فنی بود یا روانی؟ اوایل که آمدم، کار سخت شد. چون بلافاصله بعد از حضورمان باید مقابل تراکتورسازی بازی می‌کردیم. ضمن اینکه تیم صدرنشین را تحویل گرفتیم و همین موضوع در بخت روانی می‌توانست روی تیم اثر بگذارد. در نیم‌فصل اول پرسپولیس مقابل برخی تیم‌های مدعی شکست خورده بود و یکی از اهداف ما پیروزی در این بازی‌ها بود. نمونه‌اش شهر خودرو که خودمان نیم‌فصل اول آنجا بودیم و مقابل پرسپولیس به پیروزی رسیدیم. تراکتورسازی را تنها بعد از هفت، هشت روز که از انتقال ما می‌گذشت، بردیم و روند رو به رشد را آغاز کردیم. سپس کرونا آمد و این چالش بزرگ و غیرقابل پیش‌بینی را تجربه کردیم. البته من این موضوع را به فال نیک گرفتم، چون وقت داشتیم بیشتر کار کنیم و زودتر به آمادگی برسیم.

از نحوه برگزاری جشن قهرمانی پرسپولیس راضی بودید؟

جشن قهرمانی بدون حضور تماشاگران که معنایی ندارد. با بچه‌ها هم که حرف می‌زدیم، واقعاً جشن بدون حس و حال و شور و هیجان بود. البته باید با این مسئله کنار بیایم، چون سلامتی هواداران هم برای ما مهم است.

البته این جشن با شکست شما مقابل ذوب‌آهن کمی تلخ شد.

ذوب‌آهن تیم خوب و قدرتمندی است. ما دو سه فصل آنجا کار کردیم و می‌دانیم که بازیکنان خوبی در ذوب حضور دارند. من به آنها تبریک می‌گویم اما وقتی قهرمانی چهار، پنج هفته زودتر مسجل می‌شود، کمی سخت است که همچنان با انگیزه بازی کرد. این طبیعی است اما بازیکنان نشان داده‌اند که برای تمام بازی‌ها انگیزه دارند و می‌کوشند در هر شرایطی حریفان را جدی بگیرند. به نظر من این شکست یک تلنگر بود تا به خودمان بباییم و برای ادامه بازی‌های لیگ، جام حذفی و همچنین پلی‌آف لیگ

قهرمانان آسیا تلاش کنیم. البته همانطور که جنبه پیروزی داریم، باید جنبه باخت هم داشته باشیم و برویم و برای بازی‌های بعدی کار کنیم. البته این را هم بگویم که بازیکنان تلاش خود را انجام دادند و دست‌شان هم درد نکند. وقتی توپ داخل دروازه حریف نرود، دیگر کاری نمی‌توان کرد.

رادوشویچ هم برخلاف بازی‌های قبل که درخشید، برابر ذوب‌آهن گل بدی دریافت کرد. نظرت چیست؟

نمی‌شود گفت رادو گل بدی خورد. بعضی وقت‌ها پیش می‌آید که یک دروازه‌بان در خروج پایش می‌لغزد و لیز می‌خورد. این اتفاق برای خود من هم رخ داده و البته خیلی دروازه‌بان‌های دیگر. ضمن اینکه جلوی رادو هم بلاک بود و به همین دلیل او نتوانست به طور کامل توپ را ببیند. این اتفاق البته چیزی از ارزش‌های رادو کم نمی‌کند. به دلیل درخشش در بازی‌های قبل، فشار روی او زیاد بود که باید از روی دوشش برداشته شود. رادو مدت‌ها بازی نمی‌کرد اما حالا می‌بینیم که با حضور در ترکیب اعتماد به نفس خودش را هم به دست آورده و درخشیده. او جزو بهترین دروازه‌بان‌های لیگ است. شوت خوب می‌گیرد، پسر خوب و حرفه‌ای است و من و کادر فنی کاملاً از عملکرد رادو راضی هستیم. مقابل ذوب‌آهن هم مقصر من هستم نه رادو. باید بیشتر وقت بگذارم تا او به بهترین شکل آماده شود.

رادوشویچ

برای فصل بعد هم دروازه‌بان اول می‌ماند؟

ما الان بازی‌های حساسی در لیگ و جام حذفی داریم و نمی‌توانیم به هیچ بازیکنی بگوییم برای فصل بعد فیکس است یا نه. این تصمیمات بستگی به عملکرد بازیکنان دارد اما از نمایش رادو واقعا رضایت داریم اما برای فصل بعد باید ببینیم چه اتفاقاتی رخ می‌دهد.

جای خالی علیرضا بیرانوند هم در جشن قهرمانی خالی بود. با او صحبتی نکرده‌اید؟

من طی روزهای اخیر بارها با بیرانوند صحبت کرده‌ام. او جزو ارکان اصلی تیم بود و پنج، شش ماه خوب را با او گذرانیدیم. علیرضا از لحاظ فنی و اخلاقی فوق‌العاده بود و خیلی خوشحال شدم که به بلژیک رفت. البته کمی مصدومیت داشت که امیدوارم زودتر خوب شود و به ترکیب آنتورپ برسد.

علیرضا دروازه‌بان اصلی تیم ملی است و جایش در جشن خالی بود. البته مدال او را گرفتند تا به دستش برسانند.

قرار بود بعد از قهرمانی، موهایت را از ته بتراشی. این کار را چه زمانی انجام می‌دهی؟

من کی گفتم قهرمان لیگ شویم موهایم را می‌تراشم؟ من راجع به آسیا این حرف را زدم، وگرنه چهار سال است قهرمان لیگ می‌شویم و اینکه سورپرایز ندارد. بعد هم من نگفتم موهایم را از ته می‌تراشم، گفتم می‌زنم، البته فقط بخش‌هایی از آن را می‌خندد. با ۴۵ سال سن دیگر می‌دانم چطور حرف بزنم. البته برای پرسپولیس حاضرم همه کار کنم، حتی خودم را از ارتقا به پایین پرتاب کنم.

برای فصل بعد هم در پرسپولیس می‌مانید؟

قرارداد ما به مدت یک فصل و نیم بود و اگر اتفاق خاصی رخ ندهد در خدمت پرسپولیس خواهیم بود.